

هرمنوتیک تطبیقی

بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب

دکتر قاسم پورحسن

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳۸۴

پورحسین، قاسم	
هرمنوتیک تطبیقی: بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب / تألیف قاسم پورحسین. - -	
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.	
۴۳۶ ص.	
ISBN : 964-476-112-X	
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.	
کتابخانه.	
۱. هرمنوتیک. ۲. تأویل. الف. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ب. عنوان. ج. عنوان: بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب.	
۱۲۱/۶۸	BD۲۴۱/پ۹۳-ه۴
۷۹۸۵-۸۴م	کتابخانه ملی ایران



دفتر مرکزی: پاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، بوستان کتاب. تلفن: ۲۸۵۶۱۳۴
مرکز بخش و فروشگاه مرکزی: میدان آرک، جنب مسجد ارک. تلفن: ۳۹۲۷۴۱۲ - ۳۱۱۴۲۸۸
تلفن مرکز بخش: ۳۹۲۰۳۰۷

عنوان: هرمنوتیک تطبیقی «بررسی همانندی فلسفه تأویل در اسلام و غرب»
تألیف: دکتر قاسم پورحسین
چاپ اول: ۱۳۸۴
این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی فیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.
همه حق چاپ محفوظ است.
شابک: X - ۱۱۲ - ۴۷۶ - ۹۶۴
فروشگاه شماره یک: میدان انقلاب، بازارچه کتاب تلفن: ۶۴۶۹۶۸۵
فروشگاه شماره دو: میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر تلفن: ۶۴۱۸۹۳۵
فروشگاه شماره سه: شمیران تلفن: ۲۷۱۳۳۵۱
فروشگاه شماره چهار: شریعتی تلفن: ۲۸۵۵۱۶۴
فروشگاه قم: خیابان ارم تلفن: ۷۷۳۸۱۵۰
فروشگاه مشهد: چهار راه شهداء، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع گنجینه کتاب تلفن: ۲۲۱۴۸۳۱ - ۲

فهرست

۱	دیباچه
۵	پیش‌گفتار
۶	روشها و رویکردها
۶	روش مقایسه‌ای و «برون - حوزه‌ای»
۸	اسباب‌گزینش موضوع هرمنوتیک
۱۰	صورتبندی بابها، بخش‌ها و فصول رساله

مدخل

۱۳	نخستین کاربرد هرمنوتیک
۱۵	واژه‌شناسی
۲۰	اصطلاح هرمنوتیک
۲۸	هرمنوتیک، تأویل و تفسیر
۳۳	دانش هرمنوتیک
۳۴	هرمنوتیک و کلام مسیحی
۴۱	هرمنوتیک در دوره رومانتیک
۴۴	هرمنوتیک در دوره جدید: دور ره‌یافت در تأویل
۴۹	اعتبار در تأویل
۵۵	خواندن‌ها و تأویل‌ها

۶۲	یادداشت‌های مدخل
----	------------------

فصل اول: نظریه‌هایی در باب زبان، متن و معنا

۷۱	مقدمه
۸۶	دیالکتیک‌های زبان، گفتار و نوشتار
۹۷	نشانه‌شناسی و هرمنوتیک
۱۰۹	نماد و هرمنوتیک
۱۳۴	متن و هرمنوتیک
۱۶۲	یادداشت‌های فصل اول

فصل دوم: جستاری در فرایند تحول دانش هرمنوتیک

۱۷۵	مقدمه
۱۷۶	مفهوم هرمنوتیک
۱۷۷	نظریه عام درباره معنا
۱۸۱	هرمنوتیک و کلام مسیحی
۱۸۵	آگوستین و علم تأویل
۱۹۰	دوره فترت
۱۹۱	اکویناس و معنای روحانی
۱۹۲	نظریه فهم همگانی
۱۹۷	ره‌یافته‌های تأویل در تفسیر اسلامی
۲۰۲	هرمنوتیک و حوزه‌های چهارگانه در تمدن اسلامی
۲۰۲	حوزه فلسفه و تأویل
۲۱۰	عرفان اسلامی و دانش هرمنوتیک
۲۱۴	هرمنوتیک در دوره جدید
۲۱۶	شلایر مایر، مؤسس هرمنوتیک جدید
۲۴۱	هایدگر و گستره متن
۲۵۲	یادداشت‌های فصل دوم

فصل سوم: گادامر و هرمنوتیک

۲۵۹	 مقدمه
۲۶۳	 منطق مکالمه و امتزاج افقها
۲۷۲	 زبان و فهم
۲۷۷	 تأویل، نسبیت و قطعیت
۲۸۰	 نقد نظریه قصدیت
۲۸۷	 هرمنوتیک، فهم و کاربرد
۲۹۱	 نقدها
۲۹۲	 اریک. دی. هیرش
۲۹۸	 یورگن هابرماس
۳۰۲	 الف - ذهن‌گرایی و عینیت‌انگاری
۳۰۳	 ب - سنت و نقد آن
۳۰۵	 ج - زبان‌مندی و فهم
۳۰۷	 د - نسبیت‌انگاری و نقد آن
۳۱۱	 یادداشت‌های فصل سوم

فصل چهارم: پل ریکور و هرمنوتیک

۳۱۷	 مقدمه
۳۲۲	 زبان، معنا و هرمنوتیک
۳۲۳	 مسئله نخست: چند معنایی
۳۲۶	 مسئله دوم: نماد و تأویل
۳۳۰	 مسئله سوم: استعاره و تابیدگی زبان
۳۳۳	 مسئله چهارم: اسطوره و تفسیر تمثیلی
۳۴۰	 مسئله پنجم: هرمنوتیک روایت
۳۴۳	 متن، تأویل و تفسیر
۳۴۵	 متن چیست؟
۳۴۷	 تأویل و صورتهای فهم
۳۵۰	 شیوه تأویل

۳۵۲		اختلاف تأویلها
۳۵۷		معنای یگانه و قصد مؤلف
۳۵۹		احیای معنا و بالودن توهم
۳۶۸		هرمنوتیک و سیاست
۳۷۴		یادداشتهای فصل چهارم

فصل پنجم: حقیقت متن

۳۸۱		مقدمه
۳۸۵		یک معنایی و چند معنایی (پلورالیسم مؤول)
۳۹۴		تأویل: قطعیت و نسبیت
۴۰۹		پیشافهم و هرمنوتیک
۴۲۰		یادداشتهای فصل پنجم

دیباچه

هرمنوتیک یا دانش یا نظریه تأویل را می‌توان مرحله سوم از فرایند دانش در مغرب زمین تلقی کرد. شناخت و فهم متن خاصه زبان نوشتار منظور گوهری دانش هرمنوتیک است. این دانش به بهره جستن از عمق بخشیدن به فهم و دریافت است که به سوی «علوم هرمنوتیکی» راه می‌گشاید.

به عبارتی، هرمنوتیک تلاشی است برای شناخت واقعیت‌های درونی کنشگران، ساختارهای معنایی پنهان، و معانی نهفته در ورای پدیدارهای انسانی و اجتماعی.

رساترین مفهوم از این دانش را شلایر ماکر فیلسوف آلمانی که پدر هرمنوتیک نیز لقب گرفته، ارائه نمود. وی در تعریفی جامع گوید: هرمنوتیک عبارت است از ارائه تأویلی استوار به شناخت دقیق، نقادانه و بهرمند از روش درست و استوار به کنش آگاهانه جهت آشکار ساختن معنای متن در تمامی سویه‌هایش باگذار به سوی فراسوی شرایط تاریخی پیدایش متن.

واپسین نماینده هرمنوتیک در غرب، یعنی پل ریکور تعریفی کاملاً متفاوت و با آموزه استقلال ذاتی متن و مرکزیت خوانش‌گر به دست می‌دهد. او معتقد است که هرمنوتیک، تأویل فعالیت ذهنی و کشف باطنی متن است که در پس معنای ظاهری پنهان شده باشد؛ یعنی آشکار شده لایه‌های درونی معناست که در معنای آشکار نهفته‌اند.

امروزه دانش هرمنوتیک ظریف‌ترین، پیچیده‌ترین و چالش‌انگیزترین دانش‌ها در حوزه علوم

معنوی در مغرب زمین به شمار می‌آید. این اوصاف نه به سبب نو بودن، بلکه به دلیل حیثیت موضوعی و گستره این دانش است. هرمنوتیک از هنر و ادبیات تا عرفان و فلسفه را شامل است و هر حوزه‌ای را اندیشمندانی سترگ و نزاعی شدید است.

دانش هرمنوتیک را امروزه به سه دوره تقسیم می‌کنند. دوره اقدام که از سده ششم قبل از میلاد تا اول مسیحیت به درازا می‌کشد. دوره دوم مربوط به دوران مسیحیت، یعنی اول میلاد تا سده شانزدهم است که به دوره میانه شهرت یافت. دوره جدید از سده هفدهم و با تدوین کتاب هرمنوتیک مقدس در ۱۶۵۴ توسط دان هاوسر آغاز و با نشر کتاب «درآمدی به تأویل صحیح از سخنها و کتابهای خردمندان» در سال ۱۷۴۲ توسط کلادنیوس که بخش نخست کتابش را عنوان «هرمنوتیک» داد، نضج می‌گیرد. گرچه بسیاری بر این باورند که هرمنوتیک دوره جدید با اندیشه و آثار شلایرماخر آغاز می‌شود؛ لیکن مستندات خلاف این شهرت است.

موضوع رساله به لحاظ زمانی به دوره سوم مرتبط است؛ لیکن کوشیدیم تا دوره اول و دوم را جهت فهم ریشه‌های کلاسیک فلسفی و یهودی-مسیحی این دانش، در مدخل و بررسی فرایند تاریخی و مراحل تطور آن جست‌وجو نماییم. از این حیث این رساله حاوی جستاری عام در دانش هرمنوتیک در غرب است و این قصد به سبب جدید بودن این دانش در سرزمین ما صورت پذیرفت.

رساله شامل یک مدخل و پنج فصل است که فصل پنجم تحت عنوان «حقیقت و نقد» به عنوان خاتمه یا نتیجه به نگارش آمد. مدخل عهده دار بررسی ترمینولوژی دانش هرمنوتیک به صورت مقایسه‌ای است. در این باب، تلاش کردیم علاوه بر غرب، پیشینه‌ای از آن را در حوزه تمدن اسلامی طرح و بررسی نماییم. جست‌وجوی ما در این باب با محوریت تحلیل گفتار و بهره جستن از فرایند تاریخی این دانش شکل گرفت.

فصل نخست را عنوان نظریه‌هایی در باب زبان، متن و معنا دادیم. قصد گوه‌ری نگارنده در این فصل جستار در بن پاره‌های دانش هرمنوتیک است.

آنچه هرمنوتیک را بر می‌سازند زبان، گفتار، متن و فهم است و برخی بر *Interpreter, Text, message, sign* تمایل دارند. حقیقت این است که هرمنوتیک بدون فهم عناصر باز آمده، قابل دریافت نیست. از این رو، پیش از بررسی آرای هرمنوتیکی فیلسوفان به

جستار در بنیاد این دانش همت گماردیم و در چهار باب مسئله زبان، گفتار، نوشتار، نماد، نشانه و متن را واکاوی نمودیم.

در فصل دوم کوشیدیم قبل از آغاز در بررسی اندیشه‌های گادامر و پل ریکور، تاریخی از این دانش به دست داده و آرای فیلسوفان و اندیشمندان هرمنوتیک در دوره نخست و دوم و نیز بخش رومانتیک دوره جدید تا زمان هایدگر را بررسی کنیم. در این بررسی نگاهی اجمالی به حوزه تمدن اسلامی داشتیم که قابل اندیشه و مطالعه است. در همین فصل کوشیدیم بیشترین تلاش را در همانندی دانش تأویل مسیحیت و اسلام عرضه کنیم. یکی از مهم‌ترین سبب برای نگارنده در انتخاب این موضوع بررسی ریشه‌های فلسفی - کلامی همانندی اسلام و مسیحیت است. در نگاه بدوی، این فرضیه کمی بیگانه می‌نماید؛ لیکن مطالعه این فصل می‌تواند عقلانیت انگیزه و فرضیه را آشکار سازد. علاوه بر وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران، دکتر هانری کربن در همانندی تفسیر معنوی آیات و حیانی در انجیل و قرآن نقش مؤثری در رویکرد نگارنده در این باب داشته است. به هر روی کوشش اساسی در بررسی و اثبات وجوه همانندی را در این فصل به انجام رساندیم؛ لذا به ناچار مثالها و شواهد بسیاری بر این امر عرضه داشتیم.

فصل سوم را گادامر و هرمنوتیک نام گذاشتیم تا صریح و رسا در افاده قصد باشد. این فصل از یک مقدمه و پنج مسئله برخوردار است در مقدمه که حدود پنج صفحه است کوشیدیم حیات و آثار و حدود اندیشه‌های گادامر را به اجمال بررسی کنیم. مهم‌ترین بابهای این فصل، باب دوم و پنجم است. در باب دوم اندیشه‌های بنیادین گادامر در حوزه هرمنوتیک را بررسی کردیم و در باب پنجم نقدهای وارده بر آرای او را جست‌وجو نمودیم. در فصل چهارم از تأملات هرمنوتیکی ریکور سخن گفتیم. این فصل نیز شامل یک مقدمه در بررسی حیات، آثار و نقش برجسته ریکور در دانش هرمنوتیک است و در چهار باب به بررسی آرای هرمنوتیکی او پرداختیم. باب نخست با عنوان زبان، معنا و هرمنوتیک و باب دوم با عنوان متن، تأویل و تفسیر است. این دو باب مهم‌ترین بابهای فصل چهارم به‌شمار می‌آیند.

در باب سوم و چهارم، نگاهی به مسئله پر اهمیت هرمنوتیک و سیاست داشتیم که بررسی مستقل آن می‌تواند مهم و برجسته باشد.

آخرین فصل که با عنوان حقیقت و نقد به پایان بردیم در زمره نتیجه رسالت انگاشتیم. از

چهار مسئله مهم و چالش برانگیز هرمنوتیک یعنی (فهم‌شناسی) پلورالیسم مؤول، قطعیت و نسبیت در تأویل و بالاخره پیشافهم و هرمنوتیک در این بخش سخن گفتیم. در باب دوم و سوم همین فصل، به نحو تفصیل آثار و تأملات هرمنوتیکی صدرالدین شیرازی، را بررسی کرده و ضمن پیوند میان آرای او و حکیمانی همچون آگوستین مقدس و اوریجن، با ذکر استنادات در اثبات فرضیه همانندی جست‌وجو را به پایان رساندیم.

ظریفی گفت دانش هرمنوتیک، دانش مسلط غرب حاضر است، هر پژوهشگری که هرمنوتیک را شناسد، غرب را نخواهد شناخت. امید می‌بریم این نوشتار بسترهای فهم درست دانش هرمنوتیک را فراهم کند.

مرداد ماه ۱۳۷۹

تهران

قاسم پورحسن

پیش‌گفتار

هرمنوتیک چیست؟ پرسش محوری در دانش هرمنوتیک کدام است؟ و چه نیازی به بررسی آن می‌باشد؟

امروزه، موضوع محوری و غالب در فلسفه مغرب زمین را چیستی تأویل و خوانش متن تشکیل داده و تلاش در دستیابی قواعدی عام جهت شیوه و اخوانی مهم‌ترین کوشش فلسفی است. به همین سبب است که برخی بر این باور شدند هرمنوتیک، دانش مسلط فلسفی دوره حاضر است. شاید نتوان تعریفی دقیق از هرمنوتیک به دست داد و یا نخستین کاربرد آن را تعیین کرد لیکن می‌توان دیرینه طولانی در غرب و حوزه تمدن اسلامی از این دانش به دست داد. مناظرات سقراط نخستین گفت‌وگوهای هرمنوتیکی است که از آغازگاه دیالوگ دیالکتیک «زبان - گفتار - نوشتار» محسوب می‌شود.

گرچه تأملات اندیشمندان مسیحی در دوره میانه، سبب تداوم و پیوند هرمنوتیک دوره کهن با دوره جدید گردید، لیکن منحصر در زبان‌شناسی شده و شرایط امکان تأسیس دانش تأویل را فراهم نساخته است به همین روی است که بسیاری همچون ریکور و گادامر، معتقدند که هرمنوتیک با تأملات شلایر مایر و دیلتای تولد یافت و با هایدگر و نیچه نضج پذیرفت. هرمنوتیک در دوره جدید را با دانش شیوه خوانش متن به معنی عام، تعریف کرد از این سبب است که بررسی متن، و نوع خواندن آن و شیوه تأویل، پرسشهای مرکزی دانش هرمنوتیک بر شمرده می‌شود.

بررسی و نقد سه دوره هرمنوتیک در غرب می‌تواند علاوه بر آنکه فرایند تاریخی و مراحل تحول و تطور این دانش را به تبیین رساند، زمینه‌های مناسب برای فهم آراء فیلسوفان متأخر هرمنوتیک همچون ماخر، دیلتای، هایدگر، نیچه، گادامر، هیرش، ریکور و هابرماس را فراهم سازد. بررسی اندیشه‌های این فیلسوفان در واقع واکاوی هرمنوتیک جدید غرب خواهد بود.

هرمنوتیک با پرسشهایی همچون شیوه خواندن متن، چیستی متن، پیشافهمهای مفسر و تأویل، متون قدسی و نحوه تحویل، اهمیت امتزاج افقها، آفرینندگی زبانی، متن و مفسر و تأویل، چالشهای بسیاری را در حوزه فلسفه و دین برانگیخت. اختلاف تأویلهای یا پلورالیسم تأویل، تکثر حقیقتها، عدم قطعیت در تأویل، اهمیت مرکزی تأویل‌کننده از جمله نتایج دانش هرمنوتیک بر شمرده می‌شود. بررسی و واکاوی این چالشها و تأملات می‌تواند سبب خوانش مطلوب بسیاری از چالشهای رخداده در حوزه تمدن اسلامی در دوره جدید گردد. این بررسی همچنین می‌تواند نوع تأثیرپذیری اندیشه‌های جدید در دین و فلسفه جهان اسلام از مغرب زمین را جست‌وجو نموده و رنجوریه‌ها را تبیین سازد.

روشها و رویکردها

هر جست‌وجوی علمی می‌تواند متأثر از ره‌یافت از پیش طراحی شده باشد لذا است که روشها و کنکاش‌ها گوناگون‌اند. در پژوهش‌های کلان شایسته است روش صورت‌بندی و تبویب‌گفتارها به تبیین بیاید. انتظار آن است که تحقیق در دانش هرمنوتیک، به دو شیوه صورت پذیرد. نوع نخست می‌تواند تخصصی محض و «درون - حوزه‌ای» باشد در این روش یک یا چند اندیشه برجسته انتخاب و مورد بررسی قرار می‌گیرد. محصول مهم این نوع از پژوهش آشنایی ژرف از تأملات فرد یا حوزه‌ای خاص خواهد بود. این روش آسان و در بسیاری از شیوه‌های پژوهش، مرسوم است.

شیوه دوم تطبیقی و «برون - حوزه‌ای» است. دشواری این روش زمانی مضاعف خواهد بود که به بررسی مقایسه‌ای با ابزار نقادی دو جاذبه و برنمون‌سازی رنجوریه‌های آراء بپردازیم. اساس تحقیق و پژوهش در رساله حاضر بر شیوه دوم تبیین است.

روش مقایسه‌ای و «برون - حوزه‌ای»

از ابتدای انتخاب موضوع هرمنوتیک، شیوه بررسی این دانش و آراء فیلسوفان برجسته آن، مهمترین دغدغه فکری نگارنده بود. دانش هرمنوتیک برخلاف بسیاری از موضوعات فلسفی، یک تأویل و گفتار انتزاعی نیست بلکه دانشی است که بسیاری از آموزه‌های فلسفی و کلامی و حتی حوزه دین را به چالش کشانده و شدیدترین منازعات نظری را پی افکنده است.

کمترین انتظار از بررسی علمی در موضوع هرمنوتیک آن است که چه پاسخی می‌توان به چالشهای فلسفی در حوزه دین به‌ویژه خوانش متون وحیانی، داد. حجم گفتارهای مطروحه در دوره جدید در ایران و تمدن اسلامی که تحت تأثیر دانش هرمنوتیک صورت پذیرفت، به میزانی است که فکر هر جست‌وجوگر را در فهم مبانی هرمنوتیک و آراء مختلف آن، به خود معطوف می‌دارد. این دیدگاه سبب شکل‌گیری دو آموزه «همانندی» و «ناهمانندی»، هرمنوتیک در حوزه اسلامی و مغرب زمین گردید. هر دو نظریه می‌تواند آغازگاه جست‌وجوهای «برون - حوزه‌ای» در دانش هرمنوتیک شود. نگارنده بر این باور است که آموزه همانندی از دلایل و استنادات بیشتری برخوردار بوده و به‌نحوی مطلوب‌تر می‌تواند بسترهای عقلانی دیالوگ اسلام و مسیحیت را فراهم سازد.

چنین نگرش و فرضیه‌ای که نخستین بار توسط هانری گربن به‌صورت یک نظریه ارائه گردید، موجب شد تا پژوهش تاریخ و تحلیل گفتاری از تاریخ هرمنوتیک در غرب و اسلام صورت پذیرد. سه دوره مشخص در غرب و دو دوره در حوزه تمدن اسلامی مورد بررسی مقایسه‌ای قرار گرفت. آراء سقراط، افلاطون و ارسطو در دوره اقدام با آراء کلام زردشتی، تأملات کلام مسیحی و اندیشمندانی چون کلمنت اسکندرانی، اوریجن و اگوستین مقدس در دوره میانه با آراء فلسفی تأویل فیلسوفان مدنی مسلمان، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

دوره سوم هرمنوتیک در غرب را که از دوره شلایر ماکر آغاز گردید، به تفصیل جست‌وجو کرده و چالشهای نو در کلام و فلسفه اسلامی در ایران و مصر را مورد توجه قرار دادیم.

در پژوهش حاضر چهار رویکرد را تبیین نمودیم: رویکرد قصدیت، رویکرد امتزاج افق، رویکرد آفرینش زبانی و رویکرد تمثیلی - زبانی. همانندی رویکرد قصدیت هیرش، ماکر و دیلتای با آراء قصدیت مفسران اسلامی که فقیه نیز بودند، شگرف است. در میان مفسران

اسلامی باید فقها و فیلسوفان را متمایز نمود. همچنانکه کربن نیز در تاریخ تفسیر معنوی اسلام تأکید دارد. اختلاف خوانشها و رویکرد تمثیلی-زبانی در بیرون از فقه و در میان فیلسوفانی که مشرب عرفانی داشتند، به وجود آمد. از این رو بسیاری از مفسران که فقیه بودند تا فیلسوف، به رویکرد قصدیت وفادار ماندند.

اما رویکرد تمثیلی حوزه اسلامی که توسط ابن سینا و سهروردی شکل گرفت را با رویکرد تمثیلی متألهان مسیحی دوره میانه مقایسه کردم و نمونه‌های بسیاری ارائه نمودم.

چالش برانگیزترین بخش مباحث، مطالعه تطبیقی رویکرد امتزاج افق در غرب و اسلام است. در غرب با یک گسست بینشی و گذار از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی، رویکرد امتزاج پدیدار گشت در حالیکه در حوزه اسلامی اندیشمندان دوره جدید با تصلب بر رهیافت شناخت شناسیک و بدون گذار، به این رویکرد تمایل نشان داده و آن را یگانه شیوه مطلوب خوانش متون، سنت و موارث برشمردند. دشواری این مطالعه تفاوت رهیافت فلسفی مغرب زمینیان و رهیافت کلامی اندیشمندان اسلامی است لیکن تلاش کردیم تا ضمن تبیین این تفاوت، همانندی و تأثیر و تأثرهای دو عالم در رویکرد امتزاج را نشان دهیم.

موضوع هرمنوتیک و اهمیت بررسی آن در حوزه اسلامی زمانی جست‌وجویی مطلوب خواهد بود که دو روش به نحو ترکیبی با رویکردی تطبیقی به کار گرفته شود. تبیین فرایند تاریخی این دانش در مرحله نخست یک ضرورت تحقیقی است لذا در این بخش کوشیدم تا از شیوه پژوهش و تحلیل تاریخی سود جوییم اما از آنرو که آشکار ساختن آموزه‌های دانش هرمنوتیک در دوره جدید غرب و بیان نوع پیوند و همانندی که با دانش تأویل در حوزه تمدن اسلامی و نیز گویا کردن نوع چالشها در حوزه خوانش متن به‌ویژه متون قدسی و وحیانی، نیازمند استفاده از روش مقایسه‌ای، و تحلیل گفتاری و نظریه پردازی بود لذا در حد طاقت تلاش کردیم تا با بهره جستن از ابزار دوم به مدد ابزار نخست، جست‌وجویی دقیق از دانش هرمنوتیک در غرب و اسلام و تطور و تحولات رخ داده در سه مرحله زمانی آن به دست دهیم. بنابراین مناسب‌ترین شیوه تحقیق در این کتاب را روش ترکیبی تاریخی - نظری قلمداد کردیم. به علاوه تکنیک پژوهش در این رساله را بر دیالوگ با صاحب‌نظران و مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای استوار کردیم.

اسباب‌گزینش موضوع هرمنوتیک

مهم‌ترین پرسش در انتخاب موضوع، اسباب و انگیزه‌های پژوهشگر است. آشکار ساختن این اسباب و دلایل می‌تواند مودی به تبیین اهمیت و شیوه پژوهش در موضوع گردد گرچه این انگیزه را نباید به معنی دخالت دادن پیشافرض و پیشادراک محقق در فرایند پژوهش دانست اما بدون داشتن پیشافهم نمی‌توان حرکت پژوهش را آغاز کرد.

سه سبب بنیادی در گزینش موضوع «دانش هرمنوتیک» سهم ایفا نمودند. سبب نخست جدید بودن این دانش به مفهوم امروزی که علم تلقی می‌گردد در غرب و تمدن اسلامی است. برای پذیرش هر دانشی باید اسباب ورود عقلانی آنرا فراهم کرد. با توجه به تأثیرپذیری بسیاری از اندیشمندان دینی در فهم متون دینی از دانش هرمنوتیک، فراهم ساختن شرایط امکان شناخت ضرورتی انکارناپذیر است. کتاب حاضر با توجه به تخصصی و فنی بودن موضوع، می‌تواند بهترین افزار در این فراهم‌سازی باشد. عدم بررسی علمی و پژوهش در دانش‌هایی همچون هرمنوتیک، موجب بهره‌برداری غیرمنسجم و غیر نظام‌مند از این دانش در حوزه تمدن اسلامی در دوره جدید شده است. امید می‌برم کتاب حاضر توانسته باشد تاریخ و آموزه‌های بنیادین دانش هرمنوتیک و نیز اندیشمندان برجسته این دانش در سه دوره غرب را به خوبی تبیین نماید.

بررسی نحوه و میزان تأثیرپذیری تمدن اسلامی و اندیشمندان دینی از فیلسوفان هرمنوتیک غرب دومین انگیزه نگارنده بود. از این سبب تحت عنوان «جست‌وجو در نظریه همانندی» سخن گفتیم. از همین‌رو کوشیدیم در سراسر نوشتار علاوه بر حفظ و وفادار بودن به روش ترکیبی تاریخی-نظری، پارادایم مقایسه‌ای را به‌عنوان رویکرد غالب، مورد استفاده قرار دهیم. این انگیزه موجب گردید تا علاوه بر جستار در سه دوره هرمنوتیک در غرب، شش رویکرد تأویلی در دو مرحله تمدن اسلامی را نیز مورد جست‌وجو قرار دهیم. رویکرد فلسفی و رویکرد عرفانی مهم‌ترین این‌ره‌یافته‌ها نشان داده شده‌اند. آثار رمزی بوعلی، سهروردی و آثار تفسیری و فلسفی صدرالدین شیرازی در رویکرد فلسفی و آثار عرفانی ابن عربی همچون ذخائرالعلاق فی شرح ترجمان الاشواق و فصوص الحکم در رویکرد عرفانی، به تفصیل در مدخل، بخش دوم و بخش پنجم مورد بررسی و تدقیق واقع شدند.

دغدغه شخصی و تحقیقی آخرین دلیل و سبب انتخاب موضوع هرمنوتیک شد. دانش هرمنوتیک با قلمرو وسیع خود در حوزه غرب، اندیشمندان بسیار و برجسته این دانش، تلاش در ایجاد پیوند با حوزه شرق توسط هایدگر و ریکور، مناسبت و همانندی بسیار دانش تأویل در اسلام با هرمنوتیک در غرب، آراء بدیع گادامر و ریکور درباره شیوه تأویل و گفت‌وگو با موارث و سنت فکری - فرهنگی و متن، همگی توجهات و تمایلات نگارنده را در مطالعه و جست‌وجو در این دانش برانگیخت. تحقیقات اولیه نشان از پیچیدگی موضوع، وسعت حوزه و قلمرو آن به علاوه دشواری در یافتن مأخذ و منابع کافی و متقن داشت. حدود ده ماه مصروف جست‌وجوهای آغازین و مذاکرات با صاحب‌نظران در این دانش گردید و سرانجام نگارش مدخل آغاز گردید و کتاب شکل گرفت. بخش دوم و پنجم را حسب اهمیت بررسی تطبیقی بر سامان بردم. این بخش عهده‌دار بررسی مقایسه‌ای به نحوی ژرف میان دانش تأویل در اسلام و دانش هرمنوتیک در غرب است.

اکنون که پس از پایان یافتن نگارش کتاب، این مقدمه را می‌نگارم، احساس می‌کنم جامعه ما برغم تأثیرپذیری غیرمستقیم از دانش هرمنوتیک، هنوز معرفتی روشمند نسبت به آن و آموزه‌های مهم این دانش ندارد. کوشیدم بسترهای نخستین این شناخت را فراهم سازدم.

صور تبندی بابها، بخش‌ها و فصول رساله

پیچیدگی موضوعات دانش هرمنوتیک و پراکندگی فیلسوفان همراه با دغدغه جستارهای تطبیقی، طراحی فصول تحقیق را با دشواری مواجه ساخت. از سویی تمایل داشتم تا ترمینولوژی تفصیلی از این دانش به دست دهم لذا مدخل شکل گرفت و از جانبی بر این باور هستم که هر موضوعی برای پژوهش باید به لحاظ حوزه و زمان محدود باشد تا نتیجه مطلوبی به دست آید، لذا بر جست‌وجو در آراء گادامر و ریکور بسنده نمودم لیکن بدون بررسی تاریخ هرمنوتیک و فراگرد تحول آن تا دوره گادامر، پژوهش رنجور بود، از این سبب کوشیدم تا بخش دوم را طراحی و در آن سه دوره هرمنوتیک در غرب (از سقراط تا میلاد، از میلاد تا سوئدنبورگ، از آگوستینک و آست و شلایر ماخر تا هایدگر) و دو مرحله دانش تأویل با شش رویکرد در حوزه اسلام را مورد بررسی قرار دادم. بلحاظ کاربردی و بهره بردن از نظریه همانندی و بسترسازی

فلسفی در دیالوگ ادیان و تمدن‌ها، این بخش، اهمیتی بنیادین دارد.

«دیالکتیک‌های زبان، گفتار و نوشتار» عنوان بخش نخستین است. پیش از بررسی تاریخ هرمنوتیک، لازم دیدم بن‌پاره‌های دانش هرمنوتیک که بمثابة اساس و محور موضوعات این علم تلقی می‌شدند را پژوهش نمایم همچون زبان، گفتار، نوشتار، اهمیت دانش زبان‌شناسی و سهم آن در دانش هرمنوتیک جدید، متن (و نماد و نشانه)، خوانش متن، شیوه خوانش و انواع خوانش و تفسیر. بدین جهت در چهار فصل به بررسی مؤلفه‌های فوق پرداختم.

بخش سوم را به اندیشه‌های گادامر و بخش چهارم را به آراء و تفکرات ریکور اختصاص دادم که موضوع اصلی رساله را شکل دادند اما در بخش پنجم که با عنوان «حقیقت و نقد» آمده است کوشیدم تا چند مسئله چالش‌برانگیز هرمنوتیک را که در حوزه اسلامی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است، جستار نمایم همچون فهم‌شناسی، تک‌معنایی و چندمعنایی، تأویل: قطعیت و نسبیت و بالاخره اختلاف خوانش‌ها و تفسیرها و نقش پیشافهم‌ها.

نگارنده بر این باور است که طراحی فصول و بابهای پژوهش با دشواری و در عین حال بدترستی صورت پذیرفت، این شاکله می‌تواند پژوهشگران را در امر آشنایی با دانش هرمنوتیک در قلمروهای گوناگون یاری رساند. امید می‌برم مجموعه تلاش صورت پذیرفته در کتاب که با مدد فکری و معنوی بزرگان فلسفه ایران به انجام رسید، مورد توجه و بهره محققان و پژوهشگران واقع گردد.